

شب عید، می فحشی؟!!

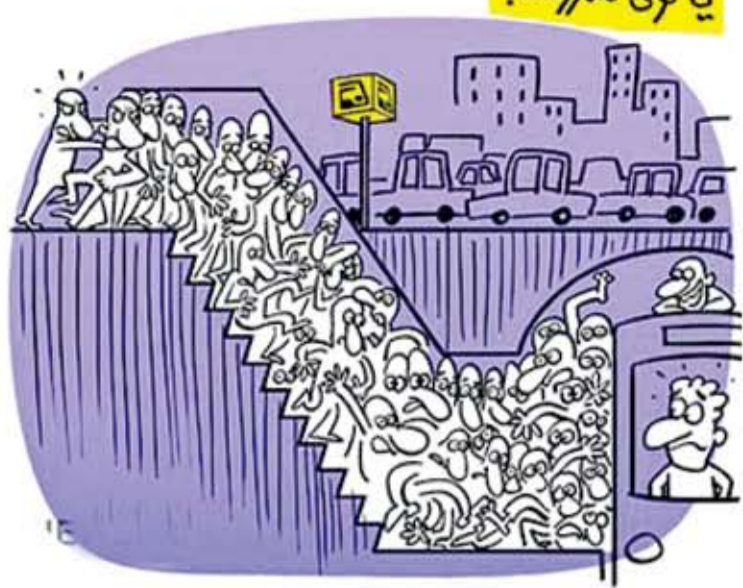
آنگه به روز دیدی که لمدار رسانی به جوهری شده...



یا توی بیمارستان دیدی که...!



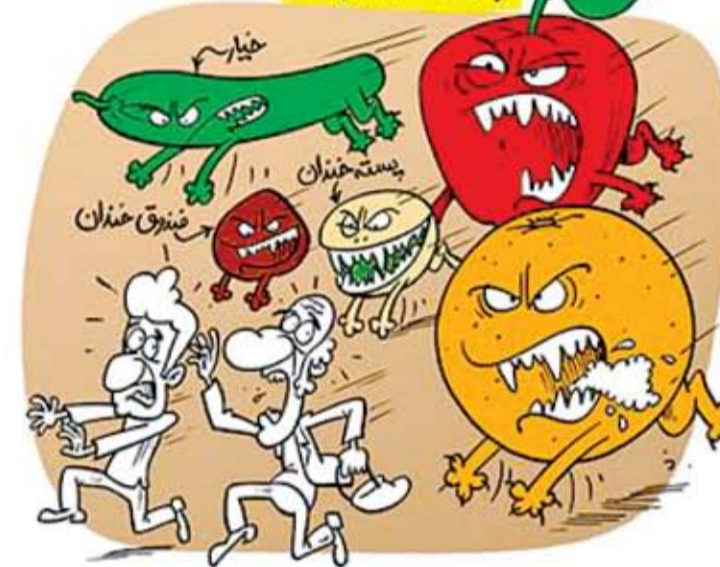
یا توی مترو...!



و به خصوص در بعضی ادارات...!



و یا رفتی بازار...!



و حتی رفتی قبرستان و دیدی اوضاع همچو چوریه تعجب نکنی، چون اون روز احتمالاً شب عیده!



چگونه از بازجویی نوروزی جان سالم به در ببریم؟

«درست نموم نشد؟» «حالا چقدر حقوق می گیری؟» «از خونه تون راضید؟ چقدر به به؟» «تو نمی خوای ازدواج کنی؟» این ها همه سوالاتی هستند که باید تا رسیدن ایام نوروز جواب درخوری برای شان پیدا کنی. چون قرار است بارها و بارها با این سوال ها مورد پرسش قرار بگیری و تا جواب قاطعی ندهی نمی توانی که محل مورد نظر را ترک کنی. اگر شما از آن دسته افرادی هستی که به یکباره «حرف دلان» را می گوئی و کاست می زنی و کلی دلخوری باری می آوری و یا اینکه جواب واقعی راست و پوست کنده را تحویل سوال کننده می دهی و بعد کلی پشیمان می شوی. ما شما را در جواب دادن به متداول ترین سوالات نوروزی باری می کنیم. فقط کافی است جواب ها را خوب به خاطر بسپری. این شما و این هم سوالاتی که باید در ایام نوروز جواب بدهی.

چندسئله! جوابی که باید بدهی: چند می خوره؟ همین حدودا که گفتی. [حرف دلان: همون جواب پارسل، به اضافه «یک»] [جواب واقعی: ۲۴ سال.]

درس نسوم نشد! جوابی که باید بدهی: تموم می شه. [حرف دلان: مگه شما تا الان جای من درس می خونیدی!] [جواب واقعی: چند واحد مونده. نمی دونم چرا تموم نمی شه!]

نمی خوای ادامه تحصیل بدی؟ ارشد نمی خونی؟! جوابی که باید بدهی: فعلا دارم استراحت می کنم. الان نمی خوام بهش فکر کنم. [حرف دلان: شما رئیس سازمان سنجشی؟! جواب واقعی: چرا بابا، پوست خودم رو کندم. چندان کلاس نوشتم کلی پول جزوه و آزمون دادم. من باید امسال قبول شم و گرنه خودم رو می کشم.]

سر کار نمی ری؟ جوابی که باید بدهی: کاری که در شان خودم باشه هنوز پیدا نکردم... جایی مشغول هستم. [حرف دلان: حالا هی بیکاری من رو به روم بیاری... الان می خواد ببرسه چقدر حقوق می گیری؟! جواب واقعی: یعنی هر جا که فکر کنی برای کار رفته. پیداش می شه که نمی شه. کار نیست که... چرا بابا صبح کس سر می ریم شب می یایم سر ماه هم به هزار تا پونه کس حقوق می خوریم.]

حالا چقدر حقوق می گیری؟ جوابی که باید بدهی: بهتر است اینجا سرفه کنی و بحث را هر طور شده عوض کنی و یا بحث نجومی بگیران را وسط بینداز بد. / آجیل بفرمایید! (خیلی با معنا به طرف آجیل خیره می شوی) [حرف دلان: فیش حقوقی رو بپارم حله؟! جواب واقعی: به جوری حقوق می دن انکار صدقه می دن به آدم.]

خواستگاری دار؟! جوابی که باید بدهی: بالاخره دختری خواستگار داره دیگه. [حرف دلان: تو خوبی! فقط دختری شما دارن!] [جواب واقعی: چی بگم والا. تو لمدون موندی به آدم حسابی بیاد در این خونه رو بزنی! (به گل های قالی خیره می شوی!)]

حالا چرا شوهر نمی کنی؟ جوابی که باید بدهی: هنوز فردی که مورد نظر هست را پیدا نکردم و فعلا درسم برابم واجب تر است. [حرف دلان: مگه جای شما رو تنگ کرده؟! جواب واقعی: کو شوهر؟ شما به پسر خوب معرفی کن. دیگه این کم کاری از شماهاست.]

حالا چرا زن نمی گیری؟ جوابی که باید بدهی: مجردی خیلی می بد نمی گذره / ان شاء الله به موقع ش ازدواج هم می کنیم. [حرف دلان: دختر مجرد داری؟! جواب واقعی: کی میاد زن من بشه آخه!]

می خوای مورد خوب برای ازدواج معرفی کنی؟ جوابی که باید بدهی: دیگه این حرف ها رو باید به پدر و مادرم بگم؟! [حرف دلان: ای بابا! یعنی کی رو می خواد قالب کنه؟! جواب واقعی: حالا مشخصاتش چی هست؟]

دختر خوب سراغ داری؟ جوابی که باید بدهی: دختر خوب که زیاد! [حرف دلان: حالا مگه پسر تو خیلی خوبه؟! جواب واقعی: دختر خودم. دختر خواهرم. دختر عممام. این همه دختر خوب!]

کی سرپزازی می ری؟ جوابی که باید بدهی: از سرپزازی که نمی شه فرار کرد. ان شاء الله نوبت ما هم می رسه [حرف دلان: مدام بدبختی های آدم رو به روی آدم بیاری! جواب واقعی: دنبال اینم بپزیم به جوری کس خدمت بگیرم. خیلی می ترسم!]

آشناسنداری برای سرپزازی؟ جوابی که باید بدهی: نه آقا مساهل این کارها نیستیم. [حرف دلان: حالا خودم معاف بوده با این چه گیری به من می ده! جواب واقعی: به هر دری زدم نشد که نشد. فکر کنم عین دوسال رو باید با بکومیم.]

خونه تون اجاره ای؟ چقدر پول پیش دادی؟ چقدر اجاره می ددی؟ جوابی که باید بدهی: از قدیم گفته اند، اجاره نشینی خوش نشینی. همیشه پول خونه رو خدا به جوری رسوند. [حرف دلان: خوب شدد بالاخره با کلی وام و قسط به خونه خریدی که باید پز بشو به ما بدید / پاسال خودت رو بادش رفته دریده در دنبال خونه می گشت. / جواب واقعی: والا کلی وام گرفتیم پول پیش بدیم. اون قدر هم بسی انصاف اجاره رو برده بالا دیگه هیچی واسه خودمون نمی مونه.]

خونه تون چندمتره؟ جوابی که باید بدهی: خدا رو شکر اندقدری هست ۴ تا آدم توش راحت زندگی کنند. [حرف دلان: متر بدم خدمتون! / سندی قولنامه رو بپارم؟! جواب واقعی: خونه نیس که قدر لونه میخ!]

موضوع انشئا: تعطیلات عید نوروز خود را چگونه گذرانید؟

به نام خدا که معلم را آفرید و ما دانش آموزان را که امروز بتوانیم قلم در دست بگیریم و انشئا بنویسیم که تعطیلات عید خود را چگونه گذرانیدم و با سواد شده و مدرک بگیریم و مثل برادرم دنبال کار بگردیم... البته واضح و مبهرن است که ما تعطیلات عید را نگذرانیم بلکه تعطیلات عید خود را گذشت و اگر دست ما بود که اصلا نمی گذاریم بگذرد. چون که ما دانش آموزان تعطیلات را خیلی دوست داریم و خیلی خوش می گذرد چرا که دیگر لازم نیست آدم ۹ صبح بخواهد و ۷ صبح بیدار شود؛ البته خوب امسال عید زادم خوب نبود و کار و کاسبی و عیدی و محاسبی کساد بود. بابام می گوید کم شدن عیدی ها به خاطر نیست آن های اقتصادی اروپا است. البته خودش از همه بدتر است و نه تنها در کل سال یارانه من را نمی دهد تا با آن سرمایه گذاری کنم بلکه عیدانه من را هم نداد. ای کاش من هم هر چه زودتر یک سرپرست خانواده بشوم تا خودم عیدی خودم را بگیرم و ثروت مند بشوم. در شب اول عید من به کامران عمه مبین و ساسان خاله شهین، یک پیامک دادم تا ببینم عیدی بدنی کجاها رفته اند و امسال سطح عیدی ها را چگونه ارزیابی می کنند و یک خط مشی تعیین کنیم مبینی بر آن که کجاها برویم بهتر است و کجاها نرویم بدتر است... که کلانتیچ مذاکرات گروه ۱۰۲ یعنی من به اضافه ساسی و کامی رضایت بخش نبود. راستی گفتیم موبایل؛ موبایل را بابام دو هفته پیش هم به عنوان عیدی و هم کادو جشن تولد برام خرید. اما من از آن راضی نیستم چون ایرانی است و تنها حسن اش این است راحت در جیب جا می شوی و می توان آن را راحت از دیگران قایم کرد تا مسخره ات نکنند. البته که حسن دیگر موبایل آن است که هم می توان با آن زنگ زد و هم پیامک فرستاد که من از این امکانات موبایل به خوبی استفاده می کنم. مثلا دو روز سه مانده به عید این پیامک را نوشته و برای تمام اقوام بزرگتر فایمل سند تو آل کردم: «هر کس عیدی من را قبل از تحویل سال بدهد از ۱۸ صد جازه خوش حسابی بر خوردار می گردد با تشکر». در روز دوم عید، ما به خانه عمو مسعود اینا رفتیم. عمو محمود بسیار ثروتمند است و در کار پسته است و انبارهای

بسیار زیاد و بزرگی دارد. عمو مسعود هیچی به من عیدی نداد و من خیلی ناراحت شدم. مامان که موضوع را فهمیده بود دستی بر سر من کشید و به من گفت اشکالی ندارد پسرم غصه نخور؛ درست است که این عموئی گدایت به تو عیدی نداد اما چیزی از شایستگی های تو کم نمی شود. این جا بود که برای اولین بار حسن نتیجه نگرش و ورزشکاران ایرانی در میدان بین المللی را برای اولین بار تجربه و حس کردم. واقعا چقدر درد آور است این کم نشدن چیزی از ارزش ها. در روز سوم عید ما به مسافرت رفتیم و من کم شدم اما اصلا نترسیدم؛ چون پسورد فیس بوکم یاد بود. در نتیجه از یک آقای پلیس آدرس نزدیک ترین کافی نت را گرفتم و به کافی نت رفتم و وارد فیس بوکم شدم و از فیس بوکم مامانم را پسند کردم. البته واضح و مبهرن است یکی از خوبی های فصل بهار و عید آن است که ادارات آب، برق، گاز و تلفن تعطیل هستند و قبض به در خانه آدم نمی آید و در نتیجه بابای آدم خوش اخلاق تر است. ما امسال بسبب بیاری از اوقات خود را صرف تماشای فیلم های مفید تلویزیون کردیم و من یک روز که مامان اینا بودند یواشکی گوشه تلفن را برداشته و به ۱۶۲ زنگ زد و بایست برنامه های مفید تلویزیون علی الخصوص مسابقه صداهای غایب از آن ها تشکر کردم. انشئای من در همین جا تمام می شود و ما از این انشئا نتیجه می گیریم که عید خیلی خوب است و فصل بهار خیلی خوب است و در فصل بهار همه چیز شکوفه می دهد و ما شگفتگی می شویم (در این جا مامانم گفت آفرین پسرم چقدر مثل رئیس جمهورها انشئا نوشته ای!) و ما باید از همه نعمت های خدا استفاده کنیم و اگر کم شدیم به فیس بوکم برویم تا هم پیدا شویم هم بفهمیم عجب مامان خوبی داریم و نمی دانستیم و برایش لایک بزیم!

از میان شبکه های اجتماعی ویژه نوروز

- سال جدید نزدیکه، لطفا از همین الان مشخص کنید که تو رپوسی از کدوم طرف شروع می کنی...
- مدرسان شریف چیست؛ به اساتیدی که کلاسها رو از ۲۰ اسفند تعطیل می کنن می گن مدرسان شریف.
- تنها برنامه ریزی هدفدارم تو زندگی اینه که، جوری وقت آرایشگاه تنظیم کنم که به آرایشگره عیدی ندوم...
- فرا رسیدن نوروز ۱۳۹۶ این میراث با ارزش ایرانیان را به شما و خانواده محترم تان، بعدا تبریک می گم... الان زوده.
- از جمله های ماندگار عید و عید بدنی توی بچه گی فقط به جمله رو خوب بادمه اونم اینه: «صبر کن برسیم خونه من می دونم با تو»
- دبیر کل سازمان ملل گفت: «خونه تکونی زورکی نقض حقوق بشره».
- سال ۱۳۹۵ مبارک... یاد تو باشه من آخرین نفری هستم که این سال رو بهتون تبریک گفتیم... همیشه دوست دارم متفاوت باشمو پر استرس ترین ماه سال، اسفند؛ هر لحظه امکان داره از بیرون برگردی خونه و ببینی اسرار ت به پونه خونه تکونی کف اتاقه.
- خدا و کیلی کسی می دونه اولین بار، کی پیشش داد که باید قبل از عید خونه تکونی کنیم؟! به این سوسی چراغ، کاریش ندارم... فقط بیاد بگه چرا!!
- علم بهتر است یا خانه تکانی؟ هورا... بالاخره علم برنده شد.
- «شوهر گلم به دقیقه میایی کارت دارم...» «شوهر عزیزم به دقیقه بیا کارت دارم...» با توجه به نزدیک شدن روزهای پایانی سال و خطر جدی خانه تکانی، به محض شنیدن هر یک از الفاظ فوق سریعا محل را ترک نمایند. لطفا این اخطار را جدی بگیرید. یکی جدی نگرمت تا الان چهار تا فرش شسته.
- روش صحیح کسک گرفتن از مردها در امر خانه تکانی: «عزیزم این میل رو باید عوض کنیم. لکه هاش پاک نمی شه...» «کی میگه لکه هاش پاک نمی شه... برو به دستمال و شامبو بیار خودم تمیزش می کنم»
- مادرم عکس من رو گذاشته آواتار تلگرامش، احتمالا همین روزاست که خونه تکونی شروع بشه.
- از چند روز دیگه باید جاسازهای تو خونه رو تخلیه کنیم، خونه تکونی از آنچه شما در تقویم می بینید نزدیک تر است.
- مامانم از اول بهمن می گه: «ببین دارم خونه تکونی می کنم نامی کنیم» این جمله از اول اسفند تبدیل می شه به: «ببین همه خونه تکونی کردن ما نکردیم»
- هرسال نزدیک خونه تکونی بابام بهو متواری می شه؛ پارسال نزدیکای مرز پاکستان پیداش کردیم گفتیم خونه تکونی تموم شده برگرد.

